



دانشگاه دبیرستان نیست

تفاوت های دانشگاه و دبیرستان و رموزی برای موفقیت در محیط جدید

معلوم نیست؟! چرا خب، همه میگن. حتی آدمایی هم که هیچ موقع دانشگاه نیومدن ممکنه بهتون گوش‌زد کنن که «بین پسر، دانشگاه دیگه مثل مدرسه نیست!» و قص‌علی‌هذا! خلاصه اینکه انگار همه می‌دونن که دانشگاه دبیرستان نیست. با این وجود، در عمل انگار هیچ کس نمی‌دونه! شایدم فراموش می‌کنه! یه سری حرفا زیاد زده میشه، مثل این که بین توی دانشگاه حجم مطالب درسی زیاد میشه، امتحان و کوییز می‌گیرن پشت‌سرهم، تا بیای به خود بجنبی شده میان ترم و تا بیای خستگی میان‌ترم رو در کنی میشه پایان‌ترم! خیلی وقتا که مجبوری از روی کتابای زبان اصلی بخونی و هزار قصه دیگه که لابد شنیدین که خب همه این چیزا چاره داره! یادتون باشه وقتی یه مشکلی یا مشکلاتی خیلی مخاطب داشته باشه، قاعدتا مردم زیاد به فکر چاره خواهند بود! راه چاره این دست از مشکلات اینه که وقتی اومدی دانشگاه از روز اول بفهمی که اون حکایت «قیف

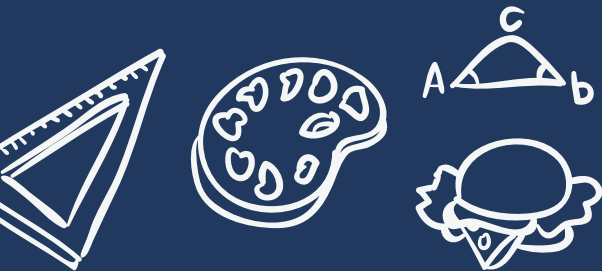
وارونه» که در مورد دانشگاه میگفتن بهت زمان کنکور کشکه و اتفاقا کنکور قیف وارونه بوده! اگه این حقیقت رو درک کنی لابد دیگه بعدش به پشت‌کار و تلاش و این چیزا نیاز داری فقط تا موفق بشی. البته خب، کلاس زبان و مشورت با سال‌بالایی‌های عاقل و بالغ هم بهت کمک می‌کنه. (توجه فرمایید که سال‌بالایی عاقل و بالغ کم پیدا میشه! به حرف هر کسی گوش نکنید!)

یه چیز دیگه که احتمالا معلماتون یا مثلا فک‌وفامیلی که قبلا دانشگاه رفته بهتون میگن، اینه که «بین تو دانشگاه استاداد درس نمی‌دن که! مثل چی یه فصل رو تموم می‌کنند و میگن خودتون بخونید و تمرینا رو انجام بدین و خلاصه اینکه اونجا همه‌چی با مدیر‌کارونه» که خب مدیر‌کاروان هم خودشمایید. مجددا این هم راه داره، به لطف آموزش آنلاین^۱ امروز دیگه این مشکل معلم ریاضی دبیرستانمون خیلی خوب بود جووری درس می‌داد که همه می‌فهمیدند ولی این استاد ریاضی^۱ اصلا این‌جووری نیست و ... دیگه وجود نداره. پس خیالتون راحت باشه. هر چیزی که تاحالا بهتون در مورد تفاوت مدرسه و دانشگاه گفتن، چیز خاصی نیست، راحت می‌تونید باهاش کنار بیاین و احتمالا اگه پسر یا دختر خوبی باشین از تجربه دانشجویی فراوون لذت خواهید برد و بعدشم برا خودتون یه کسی میشید.

با این وجود، «چیزهایی هست که نمی‌دانی!» چیزهایی که همه نمی‌گن یا لااقل کم‌تر شنیده میشه!

هدف من از نوشتن این مطلب حرف زدن در موردن حرف‌هایی هست که معمولا به گوشتون نرسیده تا حالا یا شاید هم رسیده ولی جدی نگرفتینش! قبلا از اینکه این متن رو ادامه بدین، نگاه کنید به مطلب «دانشگاه یک کتاب‌خانه بزرگ نیست» از دکتر فیروز آرش^۲. نگاه کردین؟! پیشنهاد می‌کنم اول اون مطلب رو بخونید بعد این متن رو ادامه بدین!

نکته جالبی وجود داره در مورد سیستم آموزشی ما و اون اینه که مدرسه به شما چیزهایی یاد میده که ۸۰ درصدشون به هیچ دردی نمی‌خورن. یعنی نه دنیاتون رو آباد میکنه و نه فکری به حال آخرتون می‌کنه! بعد شما وارد دانشگاه می‌شین و می‌بینید که دانشگاه هم همچین تحفه‌ای نیست. دانشگاه هم ۷۰ درصدش به دردبخور نیست! جدی! یعنی کلا سیستم آموزشی توی ایران جووری طراحی شده که از شما به عنوان یک فرد



خوشحال با استعداد، موجودی تحویل جامعه‌بده که هیچ سنخیتی با جامعه نداشته باشه! سیستم آموزشی ما مهارت عجیبی در هدر دادن وقت و انرژی داره. باورتون نمیشه؟! چند سال بهتون زبان انگلیسی یاد دادن توی مدرسه؟! الان می‌تونین با یه توریست ۵ دقیقه هم کلام بشین در حالی که ۹۰ درصد مفاهیم رو از طریق پانتومیم بهش منتقل نکنید؟ یا مثلا می‌تونید یه TED TALK رو بدون زیرنویس متوجه بشین؟ در مورد عربی هم همین‌طوره؛ الان شما قرآن بخونید خیلی متوجه میشین که آیات ترجمه‌شون چیه؟! این دو رو مثال زدم که بهتون بگم مطمئن باشید وضعیت آموزش دروس دیگه مثل ریاضی و فیزیک هم همین‌طوری بوده و ... توی دانشگاه هم وضع تقریبا همین شکله. دانشگاه بدون تعارف تلاشی نمی‌کنه که

از شما فردی مفید برای جامعه بسازه؛ به همین خاطر، خیلی مهمه که خودتون این کارو انجام بدین! دانشگاه، دبیرستان نیست و شما آزادی عمل بسیار زیادی دارین و به‌خاطر بسپارید که پس از ۱۸ سالگی، بیشتر از هر چیزی، انتخاب‌های شما هستن که سرنوشتتون رو رقم می‌زنن. این‌که یادگیرین انتخاب‌های زیادی برای خودتون ایجاد کنید و هوشمندانه از بین انتخاب‌ها، یک دومی رو برگزینید تمام رمز و راز موفقیه (البته با چاشنی کار زیاد و شانس!)

دوست عزیز، دانشگاه دبیرستان نیست، از روز اول به فکر کار باش! یکی از اشتباهاتی که بچه‌ها مرتکب می‌شن اینه که فکر می‌کنند دانشگاه مثل دبیرستان وقتی دوره‌ش تموم شد یه دوره راحت بعدش شروع میشه! بین، نخوای بگی که کنکور دادی و شاخ غول شکستی که اصلا ازت نمی‌پذیرم و بهت در جواب میگم برو بچه، اون تازه غول مرحله یک بود و برای دست‌گرمی! زندگی بعد از اتمام دوره تحصیل دانشگاهی، زندگی زمخت و بی‌رحمی خواهد بود که اگر از روز اول خودتو مهیا نکنی، قریب به یقین، بهت خوش نخواد گذشت اون موقع. برای همین سعی کنید که کار کنید از روز اول. چه کاری؟ هر کاری! کار که عیب و عار نیست. سعی کنید دیگه اینقدر دنبال پول تو جیبی گرفتن از پدربزرگوار نباشید! وضعیتون خیلی خوبه؟ خب باشه! بگیر پس‌انداز کن. دختری؟! خب باشه، این چه حرفیه می‌زنی، برو کار مناسب حال و احوالت رو پیدا کن. کار کردن، حتی خیلی جزئی و پاره‌وقت، در شما روحیه متفاوتی ایجاد می‌کنه. جوهره کار هم یک دفعه به‌وجود نمیداد! کم‌کم در وجود شما شکل می‌گیره. برای همین به نظر من هفته‌ای چند



ساعت کار کردن نه تنها لطمه‌ای به برنامه‌ی درسی‌تون نمی‌زنه بلکه بسیار پدیده میمون و مبارکی هست و در بلندمدت اثرات نیکویی در زندگی‌تون می‌ذاره. اما چند نکته! اول این که حالا همین‌روز اول دل‌شوره کار کردن پیدا نکنید (: یه چیزی ما گفتیم، آدمم این‌قدر جوگیر! مثلا اینکه زبان بلد نیستی و بری کلاس زبان خودش یه کاره! بله! اینکه برنامه‌نویسی بلد نیستی و بری دنبال برنامه‌نویسی یادگرفتن خودش یه کاره! بخشی از کار، کسب مهارت‌های مختلف هست، چیزی که نه مدرسه به شما اونا رو میده و نه دانشگاه. یادتون باشه که هرچقدر آپشن‌ها و مهارت‌های بیشتری توی زندگی کسب کنید، بهتر می‌تونید زندگی کنید و این وسط کسی نمیداد به شما مهارتی چیزی یاد بده! چهارسال لیسانس مثل برق و باد می‌گذره، سعی کنید در کنار برنامه رسمی دانشگاه، کوله‌بارتون رو از تجربه‌های زیادی پر کنید. زبان‌انگلیسی و برنامه‌نویسی امروز از نون شب برای هر کسی واجب‌تره، فراموشش نکنید.

دانشگاه، دبیرستان نیست،حرفه‌ای بشین! بله، حرفه‌ای شدن سخته، زمان‌بره و کار هر کس نیست، گاو نر می‌خواهد و مرد کهن. «گاو نر» اینجا «علاقه» است و «مرد کهن» استعاره از تلاش زیاده (به تعبیر من!). هر رشته‌ای که قبول شدین، اول اینکه مبارکه! دوم اینکه اگه وسط کار بدین خوشتون نمیداد، علاف نکنید خودتون رو، تغییر رشته بدین! سوم هم اینکه اگر رشته‌تون رو دوست دارین، سعی کنید که در اون بهترین بشین! همیشه برای بهترین‌ها کار هست، حتی اگه فیزیک بخونید^۳ (: تفاوت دبیرستان و دانشگاه در حرفه‌ای شدن اینه که تقریبا همه در مدرسه یک برنامه آموزشی خاص رو پیروی می‌کنند و واقعا همیشه فراتر از مطالب آموزشی و معلم و مدرسه رفت. (الکی گفتم، میشه! ولی معمولا کسی نمی‌کنه! چرا؟ چون آقا



جان، اون زمان برای بازی کردن هم هست، چه کاریه وقتی که آدم باید بازی کنه، بره درس بخونه؟! بازی کردن خیلی مهمه! اما الان دیگه وقت بازی کردن تموم شده. در کارتون جدی باشید! سعی کنید در کنفرانس‌ها شرکت کنید، مطالب فراتر از کتاب‌های درسی‌تون بخونید. مدام سرچ کنید و از گوگل به عنوان نزدیک‌ترین دوست‌تون در فهمیدن دنیا استفاده کنید. با انسان‌های خوش‌فکر تعامل کنید و

از «ندانستن» ترسید و «جرات کنید» و به دل کشف کردن حقیقت بزنید. کار سختیه البته! این که زمان زیادی صرف مطالعه کنی، فکر کنی، مسئله حل کنی، با آدم‌های جدید ارتباط برقرار کنی، سخته. اصلا اینکه یادگیری با آدم‌های جدید تعامل کنی و تشخیص بدی که با کی چقدر و چگونه

کار کردن هم هست، چه کاریه وقتی که آدم باید بازی کنه، بره درس بخونه؟! بازی کردن خیلی مهمه! اما الان دیگه وقت بازی کردن تموم شده. در کارتون جدی باشید! سعی کنید در کنفرانس‌ها شرکت کنید، مطالب فراتر از کتاب‌های درسی‌تون بخونید. مدام سرچ کنید و از گوگل به عنوان نزدیک‌ترین دوست‌تون در فهمیدن دنیا استفاده کنید. با انسان‌های خوش‌فکر تعامل کنید و

از «ندانستن» ترسید و «جرات کنید» و به دل کشف کردن حقیقت بزنید. کار سختیه البته! این که زمان زیادی صرف مطالعه کنی، فکر کنی، مسئله حل کنی، با آدم‌های جدید ارتباط برقرار کنی، سخته. اصلا اینکه یادگیری با آدم‌های جدید تعامل کنی و تشخیص بدی که با کی چقدر و چگونه

